

حرف ما

حرف اول ما

گاهی انسان در یک باغ سرسبز، که نسیم دلنوازی می‌وزد و میوه‌های درختان خودنمایی می‌کند، دلش می‌خواهد یک گل محمدی را با تمام وجود بو کند. در واقع، هم از سایر نعمت‌های الهی استفاده کند و هم در این فضا، از استشمام عطر گل محمدی لذت ببرد. این اتفاق شاید برای بسیاری از شماها افتاده باشد. البته، نه به این شکل و شاید در شکل‌های مختلف دیگر درست مثل ما. هرگاه از حوادث جاری کشور می‌خواهیم آگاهی پیدا کنیم، به دنبال مهمترین آنها، بویژه رهنمودهای مقام معظم رهبری هستیم که بدانیم ایشان چه فرموده‌اند و برای رسیدن به حظ معنوی ممکن است علاوه بر رادیو و تلویزیون، از روزنامه‌ها هم استفاده کنیم. در همین پی‌گیری اخبار و جریانات روز، سخنان رهبر فرزانه انقلاب حکایت آن گل محمدی را دارد که در یک باغ سرسبز انسان را سرمست خود می‌کند و حکایت امروز ما، آیین تمام‌نمای آن استشمام جان‌بخش است.

حرف دوم

در طول این سال‌ها، بسیاری از ما اظهارنظرها و تعریف‌های متفاوتی از هنر و کار هنری از افراد متعدد شنیده‌ایم. بسیاری از آن تعریف‌ها، متصفانه بوده و بسیاری هم یا اصلاً با اصول کار هنری سازگار نبوده و یا بسیار کلی و غیرقابل انطباق با آن بوده است. در طول این چند سال، طول اضلاع و محدوده و مساحت این واژه برای بسیاری روشن نبوده است و چه بسا برخی از دوستان با نیت الهی و خدایی وارد برخی از عرصه‌های هنری می‌شدند اما نگاه طلبکارانه و غیرکارشناسانه بعضی‌ها مانع از انجام فعالیت هنری می‌شده است. این واقعیت که محدوده هنر کجاست، هنر متعهد چیست و هنرمند متعهد کیست؟ مقولاتی است که شاید امروز رسیدن به تعریف درستی از آن به سادگی امکان‌پذیر نبوده، خصوصاً جریانات سیاسی و حزبی هم از هنرمندان به نفع انگیزه‌های قشری خود استفاده می‌کنند. برآستی دیگر هیچ مرزی نمی‌شد بین هنر و هنرمندان قائل شد. آنهایی که دسنی در هنر دارند و می‌دانند که هنگام خلق یک اثر هنری بیشتر از این‌که به ویژگی‌های خلق هنری اهمیت داده شود، به تاریخ مصرف، نوع مصرف، و گرایش مصرف آن محصول هنری توجه می‌شد. خلاصه این‌که وانفاسی بود لذا این‌که هنر چیست و هنرمند کیست؟ باز هم بد نیست بگوییم که این نامجهول بودن هنر از یک سو و عملکرد نهادهای به اصطلاح هنری از سوی دیگر، همه را سردرگم کرده بود. مثلاً، فیلمی از سوی حوزه هنری سازمان تبلیغات به اکران می‌رسید که... و از آن طرف بنیاد فارابی... و شما این تفاوت در کارها را می‌توانید در تمام نوشته‌های هنری تعمیم بدهید. به هر حال، در این میان یکی از راه‌های نجات از سردرگمی و ابهام، داشتن تعریفی درست از مقوله هنر و توابع آن بود که توسط رهبر فرهیخته و هنرمند کشورمان انجام گرفت.

حرف سوم ما

حتماً شما هم مثل ما سخنان معظم‌له را شنیده‌اید. اما این تکرار برای همه ما مثل تکرار بهار، زیباست و برای درک کارآمد و ژرف برآینم تا تعریف «حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای «مدظله‌العالی» را از هنر و فعالیت هنری و هنر دینی بیاوریم تا راهکاری باشد برای همه کسانی که دلشان می‌خواهد با زبان هنر دینی آنچه می‌خواهند به دیگران ابلاغ کنند.

هنر و هنرمند: مقام معظم رهبری هنر را مجموعه‌ای از احساس و ادراک زیبایی‌ها و حقایق و تبیین آنها برشمردند و فرمودند: «هنر حقیقتی است بسیار فاخر و عطیه‌ای از جانب پروردگار است که مانند هر موهبت دیگری مسؤولیت‌ها و تکالیفی را برای صاحب آن به همراه می‌آورد».

تکلیف هنرمند چیست: «هنرمند علاوه بر تکالیف ذاتی انسانی به علت ویژگی‌های بسیار ممتاز هنر، باید در خصوص قالب و مضمون آثار خود نیز احساس تعهد کند».

«هر قدر یک هنرمند به مرحله بالاتری از فکر و اندیشه و درک عقلانی برسد، جوهره کارهای هنری او کیفیت و ارتقاء بیشتری خواهد یافت و درک هنری او از پشتوانه بیشتری برخوردار خواهد بود».

«نمی‌توان در وادی هنر با انگیزه‌های سطحی و یا ناسالم حرکت کرد و سرافراز و موفق بود».

هنر دینی: «هنر دینی آن است که معارفی را که ادیان الهی و کامل‌تر از همه، دین مبین اسلام با هدف سعادت حقیقی بشر به دنبال ترویج آن بوده‌اند در جوامع انسانی منتشر کنند و در افکار بشر ماندگار و جاودانه سازد».

«در هنر دینی، الزامی به استفاده از واژگان یا نهادهای مذهبی نیست، بلکه ترویج هنرمندانه مقولاتی نظیر عدالت، حقوق انسانی و مسایل اخلاقی و پرهیز از ابتذال و استحاله هویت انسان و جامعه می‌تواند نمونه‌های خوبی از هنر دینی باشد».

سردبیر